

نقش زبان در بازتاب نگرش مردسالارانه (بررسی موردی نمایشنامه روزنه آبی اثر اکبر رادی)

حسین رحمانی*

دریافت مقاله:

۱۳۹۵/۰۳/۱۰

پذیرش:

۱۳۹۶/۰۳/۰۸

چکیده

روابط نابرابر زن و مرد همواره قدرت را در خانواده و اجتماع در قبضه مردان نگه داشته و به رسمیت شناخته است. زن علاوه بر اینکه خود آن را می‌پذیرد، در نهادینه کردن و پذیرش آن توسط فرزندان نیز سعی می‌کند. یکی از زمینه‌های تجلی روابط نابرابر بین زن و مرد، خشونت کلامی است که در گفتار مردان و در راستای همسو کردن همسر و فرزندان مورد استفاده قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل خشونت کلامی مردان در نمایشنامه روزنه آبی اثر اکبر رادی می‌پردازد و از این رهگذر سعی دارد به این دو پرسش اساسی پاسخ دهد که ۱. زبان چگونه به تداوم نظام مردسالار کمک می‌کند؟ و ۲. در این راستا چه استراتژی‌هایی برای پنهان کردن خشونت کلامی به کار گرفته می‌شود؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که خشونت کلامی زبان مردان به ابقای تفکر و نگرش مردسالارانه کمک می‌کند و همچنین برای پنهان داشتن خشونت کلامی مردان، استراتژی طبیعی جلوه دادن چنین رفتارهایی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: جلوه طبیعی خشونت، خشونت زبانی، نگرش مردسالاری، نمایشنامه روزنه آبی.

مقدمه

حقوق زنان است» مردسالاری می‌گوید و آیزنشتاین^۴ (۱۹۸۰: ۱۶) آن را «سیستم جنسی قدرت» می‌داند که در آن مردان دارای قدرت و مزایای اقتصادی بیشتر هستند. این مزایا، مرد را به نوعی در مسند فرادستی و قدرت و زن را به دلیل برخورداری نبودن یا کم‌برخورداری از آن مزایا، در مقام فرودست قرار می‌دهد.

مک‌کانل - گینت^۵ (۲۰۱۱: ۵۳) بر این باور است که «مزیت اجتماعی به نوعی مزیت زبانی می‌انجامد و باعث می‌شود که زبان ... دیدگاه کسانی را منعکس کند که از این مزیت برخوردارند». پژوهشگران زیادی (جانسون^۶، ۱۹۹۷؛ جانسون، ۲۰۰۰؛ آندرسون^۷ و کالینز^۸، ۲۰۰۴؛ باراک^۹، ۲۰۰۱؛ موراسکین^{۱۰}، ۲۰۰۷) جوامع را تحت تسلط مردان می‌دانند که در آن کار زنان نادیده گرفته می‌شود و طوری با آنها برخورد می‌شود که انگار ناپیدا هستند. مردان خانواده به عنوان نان‌آور و رئیس و سرپرست خانواده، دارای حقوقی به مراتب بیشتر از همسران و فرزندان خود هستند و بر این اساس امر و نهی کردن، پرخاشگری و رفتارهای خشن از سوی پدر یا شوهر، با این تصور که در راستای همسو کردن زن و تربیت کردن فرزندان است، قابل توجیه قلمداد می‌شود. «مرد از زبان به اتکای پایگاه برتر خانوادگی در جهت تحکیم

خشونت در لغت به معنای درشتی، تندخویی، تشدد و ستیزه‌جویی آمده است و به انواع مختلفی از جمله خشونت فیزیکی، روحی، کلامی، مالی، اجتماعی، قومی و ... تقسیم‌بندی می‌شود. در این میان، خشونت کلامی بر خشونت در کلام و گفتار دلالت می‌کند. گفتار و کلام خشونت‌آمیز مشتمل بر ناسزاگویی، استفاده از لحن تند و تحقیرآمیز، مسخره کردن، توهین کردن و جز اینهاست. از نظر راس^۱ «واژگان می‌توانند صدمه بزنند و یکی از راه‌های صدمه زدن استفاده از رفتارهای کلامی تحقیرآمیز و موهن است» (راس، ۱۹۸۱: ۱۹۵).

گاتمن^۲ بر این باور است که «خشونت کلامی دربرگیرنده کلمات آزاردهنده، ادا و اصول صورت و حرکات است» (گاتمن، ۱۹۹۸: ۳۱۴). خشونت کلامی جنسیتی، نوعی خشونت کلامی است که معمولاً از سوی مردان در نقش پدر یا شوهر بر فرزندان و همسران روا داشته می‌شود. اگرچه این نوع از خشونت کلامی ریشه در فرهنگ سنتی و نظام مردسالار دارد و مبتنی بر رابطه قدرت نابرابر میان زن و مرد است، امروزه به‌صورت چشمگیری نه تنها در فیلم‌ها و نمایشنامه‌های مدرن و پست‌مدرن، بلکه در زندگی طبیعی و روزمره نیز بسیار دیده می‌شود. گولدریک - جونز^۳ (۲۰۰۲: ۵) به «هرسیستمی که به دنبال کنترل، تحت سلطه قرار دادن و تضییع

4. Z. Eisenstein

5. S. McConnel-Ginet

6. A. Johnson

7. M. L. Anderson

8. P. H. Collins

9. G. Barak

10. R. Muraskin

1. S. Ross

2. J. M. Gottman

3. A. Goldrick-Jones

۱. زبان چگونه به تداوم نظام مردسالار کمک می‌کند؟ و ۲. در این راستا چه استراتژی‌هایی برای پنهان کردن خشونت کلامی به کار گرفته می‌شود؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر جامعه‌شناسی زبان صورت می‌پذیرد و برای پاسخ به سؤالات فوق گفت‌وگوهای انتخاب می‌شود که در آن حداقل یکی از طرفین گفت‌وگو زن یا دختر (زن آینده‌انوش) خانواده باشد و طرف دیگر گفت‌وگو مرد باشد. در این گفت‌وگوها خشونت کلامی مردان به همراه نتایج آنها در مورد زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در عین حال استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی که برای پنهان کردن این خشونت‌ها به کار گرفته شده‌اند، نیز مشخص می‌شود. این پژوهش از این جهت دارای اهمیت است که به بررسی خشونت‌های کلامی در آثار ادبیات نمایشی، به عنوان نمونه‌ای خرد از جامعه، در سطح کلان می‌پردازد.

پیشینه

حجم زیادی از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه جامعه‌شناسی زبان به بررسی خشونت کلامی در گفتار افراد می‌پردازد. در میان آثار چاپ شده در مورد خشونت می‌توان به این موارد توجه کرد: گارور^{۱۹} (۱۹۶۸) به انواع خشونت می‌پردازد و خشونت زبانی را عرفی می‌نامد که صدماتش بیشتر جنبه روانی دارد تا فیزیکی. اونگ^{۲۰} (۱۹۸۲) به بررسی کلام و نوشتار پرداخته است و معتقد است که کلام را

پیوند و انسجام استفاده می‌کند و مادر نیز به تأیید ضرورت احترام پدر و حرف‌شنوی از او می‌پردازد» (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۰۶) و این در حالی است که بسیاری از اوقات زنان متوجه ستمی نیستند که بر آنان می‌رود. خشونت کلامی که تحقیرآمیز و ضدکرامت انسانی است، سکوت، «علامت ظلم و بیداد» (کامرون^{۱۱}، ۱۹۸۵: ۵)، ازدواج اجباری، فرار از خانه، طلاق و حتی خودکشی را در پی دارد. بر این اساس در خانواده قدرت مرد به رسمیت شناخته می‌شود و زن علاوه بر اینکه آن را می‌پذیرد، در نهادهای کردن این حق در فرزندان خود نیز سعی می‌کند. خشونت‌هایی که مردان بر زنان روا می‌دارند، از طریق استراتژی‌ها و تاکتیک‌های خاصی صورت می‌گیرد که رومی^{۱۲} آنها را برمی‌شمارد: حسن تعبیر^{۱۳}، از دایره انسانی به در کردن^{۱۴}، متهم کردن^{۱۵}، نسبت دادن به روان‌شناختی مردان^{۱۶}، طبیعی جلوه دادن^{۱۷} و مجزا تصور کردن^{۱۸} (رومی، ۲۰۰۸: ۴۳).

پژوهش حاضر در نظر دارد تا نشان دهد زبان در بقای سیستم مردسالار و در نتیجه خشونت کلامی از سوی مردان نقشی اساسی ایفا می‌کند و این مهم را در نمایشنامه روزنه آبی، اثر اکبر رادی نشان می‌دهد و از این رهگذر به سؤالاتی به این شرح زیر پاسخ می‌دهد که

11. D. Cameron
12. P. Romito
13. euphemising
14. dehumanising
15. blaming
16. psychologising
17. naturalising
18. separating

19. N. Garver
20. W. Ong

همگان می‌فهمند، ولی نوشتار را افرادی می‌فهمند که سواد دارند. بنابراین، نتیجه می‌گیرد که نوشتار در اختیار عده‌ای قرار دارد و وسیله‌ای برای افتراق میان افراد است، پس به نوعی منبع قدرت و کنترل دیگران به حساب می‌آید. هوستن^{۲۱} و کرامارا^{۲۲} (۱۹۹۱) به بررسی سکوت و ساکت کردن پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که مردان از مسکوت کردن برای تنها گذاردن زنان و افراد فاقد قدرت استفاده می‌کنند. ملک افضلی و همکاران (۱۳۸۲) بر این باورند که خشونت شوهران مسئله‌ای است که در همه کشورها گزارش شده است. آنها نمونه‌های مختلف خشونت کلامی - روانی، جنسی، اقتصادی و فیزیکی شوهران را مورد بررسی قرار می‌دهند و براساس نتایج به دست آمده بیشترین فراوانی انواع خشونت‌ها را مربوط به خشونت کلامی - روانی (۳۴ تا ۶۲ درصد) می‌دانند. قاضی طباطبایی، محسنی تبریزی و مرجایی (۱۳۸۳)، به بررسی خشونت خانگی علیه زنان در شهرهای عمده ایران پرداخته‌اند. منتظر قائم (۱۳۸۴) مبحث خشونت به معنای فیزیکی آن را بررسی کرده است. داوری اردکانی (۱۳۸۵) به مباحث فلسفی خشونت می‌پردازد. اترافی (۱۳۹۵) به بررسی آزار زبانی در محیط کار می‌پردازد. از نظر وی زنان بیشترین آزرندگان زبانی و مردان بیشترین آزردهندگان زبانی در محیط کار قلمداد می‌شوند. بالا رفتن جایگاه شغلی و سن با میزان آزار زبانی در رفتار رابطه مستقیم دارد و با بالا رفتن

میزان تحصیلات، تا حدی از میزان رفتار زبانی آزردهنده در محیط کار کاسته می‌شود. شرکت مقدم (۱۳۹۵) به تحلیل گفتمان خشونت در رمان زمین^{۲۳}، اثر امیل زولا^{۲۴} پرداخته است. وی راهکارهایی برای برخورد با ستیزه‌جویی که در نهایت می‌تواند به خشونت کلامی منجر شود، ارائه می‌کند و همچنین ناهنجاری‌های اجتماعی را بر سبک‌های ادبی مؤثر می‌داند. کار (۱۳۷۹)، آیت‌اللهی (۱۳۸۰)، اعزازی (۱۳۸۰)، پوررضا و موسوی شندی (۱۳۸۱)، رامپناهی (۱۳۸۳)، سلیمانی (۱۳۸۴) و مولاوردی (۱۳۸۴) خشونت علیه زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی دیگر به خشونت و ابعاد و پیامدهای آن از دیدگاه‌های اجتماعی پرداخته‌اند: ابراهیمی (۱۳۸۱)، افتخاری (۱۳۷۹) و زکریایی (۱۳۷۸) از این جمله‌اند. محمدی اصل (۱۳۸۸) به بررسی چگونگی درونی‌سازی زبان جنسیت در میان اعضای خانواده به منظور انجام وظایف استمراربخش به حیات روزمره خانوادگی می‌پردازد. اما پژوهش‌هایی که بر ادبیات و آن هم ادبیات نمایشی تأکید کرده باشند، بسیار کم است و همین جنبه پژوهش کنونی است که آن را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد.

بحث و بررسی

نمایشنامه روزنه آبی را اکبر رادی - که نامش بر تارک نمایشنامه‌نویسی ایران می‌درخشد - برای آخرین بار در زمستان ۱۳۴۰ پاک‌نویس کرده

23. La Terre
24. Emile Zola

21. M. Houston
22. C. Kramarae

دست لباس بپوش، یه سر و وضعی عوض کن. بالاخره یه طوری می‌شه.

افشان: چه جوری؟ چه جوری می‌شه مامان؟

خانمی: وقتی خدا بخواد ...

افشان: بله! (بلند می‌شود و غمگین طرف پنجره می‌رود). دست رو دست بذاریم، به امید خدا همه چیز درست می‌شه!

خانمی: راستش من از حرف‌های تو هیچ سر در نمی‌آرم.

افشان: تو این خونه هیچکی از حرف‌های من سر در نمی‌آره. کاش منم شهامت احسانو داشتم و ... حداقل اختیارم دست خودم بود.

خانمی: (با تغییر) اون اصلاً کار درستی نکرد؛ خودتم اینو می‌دونی.

افشان: با این همه دروغ و دورنگی ... چطور می‌تونست مامان؟

خانمی: اگه منظورت آقا جون‌ته، هزاری هم بگی اون پدرشه.

افشان: ... بالاخره خودشو خلاص کرد، بالاخره آزاد شد. ولی من ...

خانمی: ... ما اینجا از این صحبت‌ها نداشتیم؛ اونم درست موقعی که باید با پدرت راه بیای، باش مهربان باشی، دل شو به دست بیاری - می‌گی فلان از این قرار؟

در اینجا، پيله آقا وقتی خبردار می‌شود که قرار است برای دخترش، افشان، خواستگار بیاید، «غمبرک» می‌زند و به این شیوه مخالفت - یا ناراحتی - خود را با ازدواج افشان نشان می‌دهد. پيله آقا با این رفتار در تقابل با خواسته دخترش

است. روزنه آبی به گفته عده‌ای از منتقدان و صاحب‌نظران «بهترین نمایشنامه» رادی است. (رادی، ۱۳۷۲ به نقل از طالبی، ۱۳۸۲: ۲۷۵). این نمایشنامه به این سبب دارای اهمیت است که سرآغازی بر سایر آثار نمایشی رادی است و شخصیت‌های آن در سایر نمایشنامه‌های رادی نیز کم و بیش حضور دارند. در نمایشنامه روزنه آبی، که نمایشنامه‌ای در سه پرده است، پیرمردی ماهی‌فروش با خست و افکار شیطنت‌بار کهنه‌اش خانواده‌اش را در تنگنای روحی قرار داده که در نتیجه آن پسرش، احسان، به تهران می‌گریزد و زنش، خانمی و دخترش، افشان، هم از بودن در کنار وی احساس خوشبختی نمی‌کنند. یکی از همسایگان به نام انوش به خواستگاری افشان می‌آید و پيله آقا که دل خوشی از افکار روشنفکرانه انوش ندارد، برای دهن‌کجی به این عشق و خواستگاری به مسافرت می‌رود. در نبود پيله آقا، انوش و افشان تصمیم می‌گیرند که با هم فرار کنند و زندگی دیگری را آغاز کنند. انتخاب دیالوگ‌های نمایشنامه به منظور بحث و بررسی مبتنی بر ۱. وجود خشونت کلامی در گفتار شخصیت‌ها و ۲. وجود مخاطب یا گوینده زن در گفت‌وگوها بوده است.

۱. مثال اول: خانمی در گفت‌وگو با دخترش افشان، درباره پيله آقا (شوهر خانمی و پدر افشان) صحبت می‌کند (روزنه آبی، پرده اول: ۲۸-۲۷)

خانمی: بین چه‌جوری غمبرک زده! ناسلامتی امروز خواستگاری توئه. پاشو، پاشو یه

برای ازدواج با انوش قرار می‌گیرد. افشان که از این وضعیت به تنگ آمده است، معتقد است که «تو این خونه هیچکی از حرف‌های من سر در نمی‌آره» و چون عملاً کاری از دستش بر نمی‌آید، صرفاً به این آرزو بسنده می‌کند که «کاش منم شهامت احسانو داشتم و ... حداقل اختیارم دست خودم بود». آنچه از این مطلب بر می‌آید این است که دختر خانواده، برعکس پسر، اختیارش دست خودش نیست و آرزو می‌کند که شهامت برادرش را می‌داشت. از آنجایی که داشتن چنین آرزویی نیز برای افشان نادرست است، با واکنش مادرش روبه‌رو می‌شود «اون اصلاً کار درستی نکرد؛ خودتم اینو می‌دونی».

در اینجا بایستی توجه کرد که مادر بر واژه «اصلاً» تأکید می‌کند و آن را با تغییر به کار می‌برد و خاطر نشان می‌کند که برادرش کار غلطی کرده است و حتی آگاهی افشان از این کار غلط را به وی یادآور می‌شود. مادر از این نیز فراتر می‌رود و فشارهایی که از جانب پدر بر احسان وارد شده و وی را مجبور به ترک خانه و کاشانه کرده است، با توجه به اینکه از جانب پدر بوده است، توجیه‌پذیر می‌داند: «اگه منظورت آقاجون‌ته، هزاری هم بگی اون پدرشه».

در اینجا خشونت پدر طبیعی نشان داده می‌شود و بر حقانیت رفتار و برخورد پدر با پسر تأکید می‌شود. وقتی که هنوز افشان بر مواضع خود پافشاری می‌کند، مادرش به وی متذکر می‌شود که «ما اینجا از این صحبت‌ها نداشتیم؛ اونم درست موقعی که باید با پدرت راه بیای، باش مهربان باشی، دلشو به دست بیاری -

می‌گی فلان از این قرار؟». در اینجا خانمی به دخترش متذکر می‌شود که این رفتارها قبلاً در خانه آنها وجود نداشته است و وی نباید این بدعت را به آنجا بیاورد. آنچه جالب توجه است این است که در موقع خواستگاری دختر بایستی با پدرش راه بیاید، مهربان باشد و دلش را به دست بیاورد؛ خانمی ناخودآگاه رفتار غم‌برک‌زده همسرش را برای دخترش توجیه می‌کند. یعنی خانمی ناخودآگاه رفتار شوهرش را طبیعی جلوه می‌دهد و این دخترش است که باید خودش را تغییر دهد و با پدرش راه بیاید و مهربان باشد به‌رغم اینکه در آن خانه «هیچ‌کسی از حرف‌های من سر در نمی‌آره».

۲. مثال دوم: وقتی افشان در حضور پدر و مادر به سوی پنجره می‌رود با واکنش پيله‌آقا مواجه می‌شود (روزنه آبی، پرده اول: ۳۶-۳۵).

پيله‌آقا: کجا می‌ری طرف پنجره؟

خانمی: یعنی آدم تو این خونه اختیار پای خودشم نداره؟

پيله‌آقا: همین فردا حلبی‌ساز می‌آرم اشراف تالارو بگیره.

خانمی: سه ساله که همچه خیالی داری.

پيله‌آقا: اما حالا خیلی چیزا دست‌گیرم شده.

خانمی: مثلاً؟

افشان: بگین! ملاحظه چی‌رو می‌کنین؟

بگین که پشت این خونه یه جانوری پیدا شده که مدتی خواب راحت و آسایش زندگی رو از شما سلب کرده. بگین! شما که همه چیزو رو دایره ریختین...

نیز فراتر می‌رود. وی زن را مانند شیء می‌داند که در یک معامله «ازدواج» مالکیت آن عوض می‌شود. زن در خانه پدر به عنوان «به کرک» هیچ سرگرمی نباید داشته باشد تا پدر در جریان ازدواج آن را سالم به صاحب بعدیش تحویل دهد. در آنجا نیز «افسارش دست یکی دیگه‌س». «خاصه خان» رفتن، فر شیش ماهه زدن، ناخن گذاشتن و ... همگی فعل‌هایی است با بار معنایی منفی که پدر خانواده با قدرت در برابرشان می‌ایستد و آنها را شایسته رقاصه‌ها می‌داند. افشان نیز این را با تمام وجود درک کرده است و به همان سیاهی رسیده است که بالایش رنگی نیست.

۳. مثال سوم: افشان در حال خواندن کتابی است که انوش به وی داده است و پيله آقا وقتی می‌فهمد که کتاب را انوش به افشان داده است از کوره درمی‌رود و به گلدانه دستور می‌دهد که انبر بیاورد تا کتاب را پاره کند و بعد از آن شروع به حدس‌هایی می‌کند که خوشایند نیست (همان: ۳۹-۴۰).

پيله آقا: (با لحن مسخره اما عصبی) لابد با همدیگه کافه «نوشین» هم نشسته‌ین و قهوه و غرابیه هم خورده‌ین!
افشان: ...

پيله آقا: لابد توی باغ «محتشم» شانه به شانه گردش هم کرده‌ین!
افشان: ...

پيله آقا: یک قبایی برای جفت شما بدوزم!
افشان: این دیگه بسته به لطف شماس! ولی بد نیست که من دیگه احتیاجی به قیّم و صاحب و

خانمی: افشان! تو دیگه همش نزن!

افشان: بالای سیاهی رنگی که نیس مامان.

پيله آقا: دختره نامربوط! دماغ بزکوهی هم داره نمی‌شه گفت بالای چشمت ابرو. (رو به افشان براق می‌شود) آره که می‌گم! بلند هم می‌گم که همه‌تون بشنوین: تا زمانی که دختر زیر سایه پدر زندگی می‌کنه، عین به کرکه. نه کتاب، نه غر و فر، نه گارمونِ مردکه، هیچی! وقتی هم رفت خونه صاحبش، افسارش دست یکی دیگه‌س. میخواد «خاصه خان» بره، فر شیش ماهه بزنه، ناخن هزاره قدّ بیل، هر غلطی می‌خواد بکنه، خودش می‌دونه و صاحبش. ما اینجا رقاصی نداریم.

در این دیالوگ، خشونت کلامی در گفتار مرد خانواده هم در نقش پدر و هم در نقش شوهر نمود پیدا می‌کند. پيله آقا حتی خوش ندارد اجازه دهد که دخترش لب پنجره برود. او سه سال است (از زمانی که افشان بزرگ شده است) که قصد داشته است اشراف پنجره را بگیرد و وقتی که با اعتراض افشان مواجه می‌شود، این مادر خانواده است که به طرفداری از همسرش افشان را مورد عتاب قرار می‌دهد: «افشان! تو دیگه همش نزن!» و به این طریق دخترش را از تخطی از حریمش باز می‌دارد و در اینجاست که پدر وی را با خشونت هرچه تمام‌تر مورد حمله قرار می‌دهد؛ طوری که کار به ریشخند ظاهر دخترش می‌رسد که خود وی در آن هیچ نقشی ندارد و در اینجاست که خشونت این گفتار روح هر شنونده‌ای را می‌خراشد «دختره نامربوط! دماغ بزکوهی هم داره». پيله آقا از این

و افشان در این باره با هم گفت‌وگو می‌کنند
(همان: ۹۰-۸۹).

انوش: ... کجا رفته؟ تو واقعاً می‌دونی؟
افشان: ممکنه رفتنش کمی غیرعادی بوده
باشه؛ ولی مطمئنم که نقشه نبوده.

انوش: من مطمئنم که نقشه بوده.
افشان: اوه، انوش، خواهش می‌کنم.
انوش: اون جا خالی کرده که مثلاً رشته‌های
مارو پنبه کنه.

افشان: اینم از روح ساده‌ش بوده.
انوش: چه روح ساده‌ای!
افشان: آدم گاهی از روی ترس یا احساس
تنهایی رفتاری می‌کنه که اصلاً شایسته نیس؛ ولی ...
انوش: اینا روان‌شناسی پیردخترهای
قدیمیه؛ حرف تازه بزنی!

پيله‌آقا با ترک خانه سعی دارد تا
مانع ازدواج دخترش با انوش شود. با
وجودی که افشان از تندی و شماتت‌گفتاری
پدرش به ستوه آمده است، اما سعی می‌کند
رفتن پدرش (به نشانه عدم رضایتش برای
ازدواج وی) را به حساب سادگی و روح
ساده‌اش بگذارد و استدلال می‌کند که «آدم
گاهی از روی ترس یا احساس تنهایی رفتاری
می‌کنه که اصلاً شایسته نیس؛ ولی ...». متوجه
می‌شویم که حتی انوش هم سعی در توجیه
رفتار پدر می‌کند و آن را طبیعی می‌نمایاند. اما
انوش مانع ادامه صحبت‌های وی می‌شود که این
خود نوعی خشونت کلامی است و بدتر اینکه او
این صحبت‌ها را «روان‌شناسی پیردخترهای

این چیزا ندارم و اگه لازم باشه، حتی می‌تونم یه
چمدون بردارم و از این خونه برم.

پيله‌آقا: تو برای خودت می‌کنی! نخیر، برو
«خاصه‌خان» موهاتو آلاگارسون کن و دانس هم
بده!

در این دیالوگ پيله‌آقا اتهاماتی به دخترش
وارد می‌کند که وی را مسکوت می‌کند و وقتی با
سکوت وی مواجه می‌شود، اتهامات خود را
واقعی پنداشته و تهدید می‌کند که «قبایی» برای
آنها بدوزد. این سخنان پدر افشان را برآشفته
می‌کند و بلوغ فکری خود را به پدرش
خاطرنشان می‌سازد و عنوان می‌کند که «اگه لازم
باشه، حتی می‌تونم یه چمدون بردارم و از این
خونه برم». اما پدرش این را حمل بر بی‌ادبی و
گستاخی دخترش می‌کند و بلافاصله با تندی
بیشتری جواب وی را می‌دهد که بیشتر شبیه به
فحش دادن و توهین کردن است: «تو برای
خودت می‌کنی! نخیر، برو «خاصه‌خان» موهاتو
آلاگارسون کن و دانس هم بده!». ابتدا پدر به وی
اعلام می‌کند که «تو برای خودت می‌کنی» که هم
معنی است با «غلط می‌کنی». سخنان پدر وقتی
گزنده‌تر از قبل می‌شود که به افشان با کنایه
می‌گوید که ترک خانه چیزی نیست، بلکه برو
آرایشگاه و موهاتو آرایش کن و برقص. این
اعمال را پيله‌آقا به مراتب بدتر از خانه رفتن
می‌داند. به عبارت دیگر، این اعمال منفی عفت
آن دوره بوده و پدر با این گفتار بر آزار روحی
دخترش می‌افزاید.

۴. **مثال چهارم:** پدر افشان (پيله‌آقا) خود را
از انظار پنهان می‌کند و به پیربازار می‌رود. انوش

انوش افشان را در شرایطی قرار می‌دهد که مجبور است بین او و پدرش یکی را انتخاب کند و این در واقع «شرط ظالمانه‌ای» است. جالب است به تصویری که انوش برای افشان ترسیم می‌کند، توجه کنیم. «بین من و پدرت یه گودال هست، یه چاله پر از مار و موش و خمره‌های تاریک و اگه تو بخوای بین ما قرار بگیری، توی این چاله سقوط می‌کنی». انوش سعی دارد به افشان بفهماند که هیچ راهی جز پیوستن به وی ندارد. او که از پدرش به‌خاطر معشوقش رنجیده است، سعی می‌کند راهی بیابد تا به وی بپیوندد ولی راهی نیست. انوش پیشتر در نمایشنامه از افشان خواسته بود با وی فرار کند. در اینجا افشان حتی از طرح این مسئله با مادرش نیز پرهیز می‌کند و چنان می‌کند که انوش می‌خواهد و حتی در تکاپوست تا با وی از رشت نیز برود. انوش به‌عنوان «صاحب» جدید افشان راهی جز فرار با وی را پیش پای وی نمی‌گذارد.

بحث و نتیجه‌گیری

به پیروی از این امر که در خانواده قدرت در دست مرد است، زنان نمایشنامه روزنه آبی به این قانون تن درمی‌دهند و با تبعیت و دم نزدن به بقای پدرسالاری و انتقال آن از زن خانواده (خانمی به عنوان همسر پيله‌آقا) به فرزندان (افشان به عنوان دختر پيله‌آقا و همسر انوش) کمک می‌کنند. افشان از رفتار کلامی شماتت‌بار و گزنده پدرش و طبیعی

قدیمی» می‌داند. در اینجا انوش به افشان توهین می‌کند، ولو غیرمستقیم. انوش طوری وانمود می‌کند که حرف‌های افشان قدیمی و تاریخ- گذشته است و به همین دلیل به وی می‌گوید «حرف تازه بزنی!». افشان فردی است از پدر رانده و از انوش مانده. وی که از رفتارهای شماتت‌آمیز و تند پدرش خیری ندیده است، سعی دارد در پناه انوش به آرامش برسد، اما صحبت‌های انوش نیز تفاوت چندانی با پدرش ندارد و در او شوقی برنمی‌انگیزاند و این در واقع ادامه همان سیستم و نظام مردسالار است که در آن خشونت مردان طبیعی جلوه می‌نماید و زن را جز سکوت و تبعیت چاره نیست.

۵. مثال پنجم: انوش، افشان را در انتخاب سختی قرار می‌دهد (روزنه آبی، پرده سوم: ۱۰۸-۱۰۷).

انوش: تو باید یکی از ما دو تا را انتخاب کنی.

افشان: آخه چرا باید انتخاب کنم؟ این چه شرط ظالمانه‌ایه که برای من گذاشتی؟

انوش: برای اینکه بین من و پدرت یه گودال هست، یه چاله پر از مار و موش و خمره‌های تاریک و اگه تو بخوای بین ما قرار بگیری، توی این چاله سقوط می‌کنی.

افشان: (با استیصال رو می‌گرداند). خدایا، چه عذابی! ... با مامان صحبت می‌کنم، قانعش می‌کنم. نه، براش یادداشت می‌ذارم، به خاطر تو ... و از رشت می‌ریم.

افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). *خشونت و جامعه*. تهران: نشر سفیر.

پوررضا، ابوالقاسم و موسوی شندی، پدram (۱۳۸۱). *خشونت علیه زنان*. تهران: نشر اندیشمند.

داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۵). *فلسفه خشونت*. تهران: هرمس.

رادی، اکبر (۱۳۸۲). *روزنه آبی در روی صحنه آبی: دوره آثار*. تهران: نشر قطره.

زکریایی، محمدعلی (۱۳۸۷). *گفتمان تئوریزه کردن خشونت*. تهران: نشر جامعه ایرانیان.

سلیمانی، محمد (۱۳۸۴). *سیر تاریخی خشونت علیه زنان*. سمنان: آبرخ.

شرکت‌مقدم، صدیقه و احمدی، معصومه (۱۳۹۵). «مطالعه خشونت از متن جامعه تا متن نوشتار: تحلیل گفتمان خشونت در رمان زمین امیل زولا». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی خشونت کلامی*. تهران: نشر نویسه پارسی. صص ۲۷۸-۲۵۷.

طالبی، فرامرز (۱۳۸۲). *شناخت‌نامه اکبر رادی*. تهران: نشر قطره.

کار، مهرانگیز (۱۳۷۹). *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*. تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸). *جنسیت و زبان-شناسی اجتماعی*. تهران: گل آذین.

ملک‌افضلی، حسین؛ مهدی‌زاده، مرتضی؛ زمانی،

جلوه‌دادن این رفتار از سوی مادرش خسته شده است و سعی دارد بنیان زندگی نویی را بگذارد؛ اما از همان اوان راه «صاحب» بعدیش، ولو اینکه روشنفکر می‌نماید، وی را مجبور به فرار می‌کند و صحبت‌های وی را «روانشناسی پیردخترهای قدیمی» می‌نامد. این بدین معنی است که با رفتن افشان به خانه شوهر چیزی عوض نمی‌شود. تنها چیزی که تغییر یافته، کسی است که او باید با امر و نهی‌هایش کنار بیاید. به عبارت دیگر، نظام مردسالار سعی در بازتولید خویش می‌کند و این مهم را از طریق طبیعی جلوه دادن رفتارهای خشونت‌آمیز مردان چه در رفتار و چه در کلام می‌کند.

منابع

آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۱). *خوش‌رفتاری با زنان*. تهران: نشر شورای فرهنگی - اجتماعی زنان. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۰). *با خشونت هرگز*. کاشمر: نشر عالم افروز.

اتراکی، فاطمه (۱۳۹۵). «آزار زبانی در محیط کار». *در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی خشونت کلامی*. تهران: نشر نویسه پارسی. صص ۳۷-۱۳.

اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی: زنان کتک خورده*. تهران: سالی.

اعظم رامپناهی، ناهید (۱۳۸۳). *خشونت علیه زنان و بازتاب آن در مطبوعات*. تهران: نشر شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.

- متنظر قائم، مهدی؛ کریمی، جلیل (۱۳۸۴). ضرب و جرح در ایران. تهران: طرح آینده. کالبدشکافی مولاووردی، شهیندخت (۱۳۸۴). کالبدشکافی خشونت علیه زنان. تهران: حقوقدان و دانش‌نگار.
- احمد رضا زمانی و فرج‌زادگان، زیبا (۱۳۸۳). «بررسی انواع خشونت خانوادگی نزد زنان در شهر اصفهان در سال ۱۳۸۲». در مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی. سال ۱۴، شماره ۲، صص ۶۷-۶۳.
- Anderson, M. L. & Collins, P. H. (2004). *Race, class, and gender: An anthology*. (5th edition). Belmont, C.A: Wadsworth/Thompson.
- Barak, G.; Flavin, J. M. & Leighton, P. S. (2001). *Class, race, gender, and crime: Social realities of justice in America*. Los Angeles. C.A: Roxbury.
- Belesy, Catherine (1977). *The Feminist Reader: Essays in Gender and the Politics of Literary Criticism*. London: Macmillan Houndsmill.
- Bourdieu, Pierre (1991). *Language and Symbolic Power*. trans. Gino Raymond and Matthew Adamson. Cambridge. M.A: Harvard University Press.
- Deborah Cameron (1985). *Feminism and Linguistic Theory*. New York: St Martin's Press.
- Eisenstein, Z. (1980). *Capitalist patriarchy and the case for socialist feminism*. New York: Monthly Review Press.
- Garver, Newton (1968). "What Violence Is". *The Nation* 209. pp. 817-822.
- Gottman, John M. (1994). *What Predicts Divorce? The Relationship between Marital Processes and Marital Outcomes*. Hillsdale. N.J: Lawrence Erlbaum Associates.
- Houston, Marsha and Kramarae, Cheris (1991). "Speaking from silence: methods of silencing and of resistance". *Discourse & Society* 2:4. p. 288.
- Johnson, A. (1997). *The gender knot: Unraveling our patriarchal legacy*. Philadelphia: Temple University Press.
- Johnson, A. (2000). *Privilege, power, and difference*. California: Mayfield Publishing Company.
- McConnel-Ginet, Sally (2011). *Gender, Sexuality, and Meaning: Linguistic Practice and Politics*. Oxford: Oxford University Press.
- Merlo, A. V. & Pollock, J. M. (1995). *Women, law, and social control*. Boston: Allyn and Bacon.
- Muraskin, R. (2007). *It's a crime: Women and Justice*. (4th Edition). New Jersey: Prentice Hall. National Organization for Research. (Retrieved April 27, 2009). *General social survey*. Chigago, IL: University of Chicago. <http://www.norc.org/GSS+Website/>.
- Ong, Walter J. (1982). *Orality and Literacy: The Technologizing of*

- the Word*. New York: Methuen.
- Romito, Patrizia (2008). *A Deafening Silence: Hidden Violence against Women and Children*. Bristol: The Policy Press.
- Ross, Stephanie (1981). "How Words Hurt: Attitude, Metaphor, and Oppression". *Vetterling-Braggin* (ed.). *Sexist Language: A Modern Philosophical Analysis*. Lanham, M.D: Littlefield, Adams. pp. 194 - 216.
- Spender, Dale (1990). *Man Made Language*. Glasco: Pandora Press.

The Role of Language in the Reflection of Patriarchal Attitude (Case Study: Blue-Orifice Play by Akbar Radi)

Hossein Rahmani*

Receipt:

2016/May/30

Acceptance:

2017/May/29

Abstract

The unequal relations between men and women have always held power in the family and community in the hands of men. The women who accept it themselves, they convince hard their children to institutionalize and accept it. One of the manifestation areas of unequal relations between men and women is verbal violence that is being used in men's speeches in order to reconcile spouses and children. The present research seeks to investigate and analyze the verbal violence of men in Akbar Radi's Blue Orifice play, and thus tries to answer these two basic questions through this way:

1. How does the language help the continuance of patriarchal system?
2. What strategies are used to hide verbal violence in this regard?

The results of this research show that verbal violence in men's language helps to preserve patriarchal thinking and patriotism, and in order to hide men's verbal violence, the natural strategy of manifesting such behaviors more widely is used.

Keywords: Natural Aspects of Violence, Linguistic Violence, Patriarchal Attitude, Blue Storm View.

*Assistant Professor, Linguistics, Payam-e-Noor University.
Email: hosein_rahmani@pnu.ac.ir